

آن‌گلیکا نویورت؛ متن مقدس؛
شعر و شکل‌گیری جامعه اسلامی
(نیویورک: انتشارات دانشگاه
آکسفورد، ۲۰۱۴).

از نگاه دیگران (۶)

قرآن در فرایند شکل‌گیری امت اسلامی^۱

دوین استوارت

ترجمه و حواشی: سیدعلی آقایی

استاد دانشگاه اموری

استادیار بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

چکیده:

کتاب متن مقدس، شعر و شکل‌گیری جامعه اسلامی (نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۴) ایده‌های اصلی آن‌گلیکا نویورت پیرامون قرآن را در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد. این کتاب فشرده‌ای از پژوهش‌های قرآنی در غرب است و احتمالاً تنها کتاب در این حوزه است که می‌توان ادعا کرد جای تاریخ قرآن نلده که را گرفته است. در این کتاب ترجمه انگلیسی چهارده مقاله از آن‌گلیکا نویورت که بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۲ منتشر شده بودند و تاکنون تنها به زبان آلمانی در دسترس بودند، یکجا گرد آمده است. در مقاله‌های این مجموعه ایده‌های متنوعی عرضه شده که انتشار آنها فرصت تأملی جامع در روش‌ها، اصول تفسیری و نتایج اصلی نویورت را فراهم می‌آورد. نوشتار حاضر ترجمه‌ای از مقاله مروری دوین استوارت است که در سال ۲۰۱۶ در مجله مطالعات قرآنی منتشر شده است. نویسنده مقاله مذکور به معرفی و بیان محتوای این اثر همت‌گمارده است.

کلیدواژه:

قرآن، شکل‌گیری امت اسلامی، آن‌گلیکا نویورت، کتاب متن مقدس، شعر و شکل‌گیری جامعه اسلامی، مطالعات قرآنی در غرب، معرفی کتاب.

لطیفه‌ای قدیمی بین محققان حوزه مطالعات کتاب مقدس رایج است که می‌گوید: «مهم‌ترین زبان سامی چیست؟» - «آلمانی». این لطیفه را می‌توان در مطالعات قرآنی هم استفاده کرد: به‌رغم حجم گسترده مکتوبات قرآنی به زبان‌های عربی و انگلیسی، در پژوهش‌های غربی درباره قرآن مهم‌ترین سهم از آن محققان آلمانی است که با مطالعات آبراهام گایگر^۲، تئودور نلده^۳، یولیوس ولهاوزن^۴ و دیگران در سده نوزدهم میلادی آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. خوشبختانه در دهه‌های اخیر برخی مطالعات آلمانی به انگلیسی ترجمه شده‌اند که تا حدی از دوباره‌کاری‌هایی که متأسفانه ناآشنایان به زبان آلمانی مرتکب شده - و همچنان می‌شوند - جلوگیری می‌کند. تا سال ۲۰۰۶ که گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان اثر گلدتسیهر^۵ به انگلیسی ترجمه شد و تاریخ قرآن نلده^۶ که بی‌تردید مهم‌ترین کتاب در قرآن‌پژوهی غربی است و تازه در ۲۰۱۳ به انگلیسی برگردانده شد، وضع به همین منوال بود. دایرةالمعارف قرآن^۷ هم که نتایج مطالعات قرآنی آلمانی‌زبان در صدوپنجاه سال گذشته را در دسترس مخاطبان گسترده‌تری قرار داده، سهم مهمی در ارتقای پژوهش‌های قرآنی داشته است. با این حال امر ترجمه، حتی درباره آثار قدیمی‌تر، به هیچ

۱. نوشتار حاضر ترجمه‌ای است از مقاله‌ای مروری با مشخصات زیر:

Deven Stewart, "Book Review of *Scripture, Poetry and the Making of a Community*. By Angelika Neuwirth (New York: Oxford University Press, 2014), *Journal of Quranic Studies*, 18:3 (2016), 135-142.

2. Abraham Geiger

3. Theodor Nöldeke

4. Julius Wellhausen

5. Ignaz Goldziher, *Die Richtungen der islamischen Koranlegung* (Leiden, 1920). English translation: *Schools of Koranic Commentators*, with an introduction on Goldziher and Hadith from *Geschichte des arabischen Schrifttums*, by Fuat Sezgin, edited and translated by Wolfgang H. Behn (Wiesbaden, 2006).

عبدالحلیم نجار در سال ۱۹۵۵ این کتاب را با عنوان مذاهب التفسیر الاسلامی (قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۹۵۵) به عربی ترجمه کرد و بعدها همین ترجمه عربی با مشخصات زیر به فارسی برگردانده شد: ایگناس گلدزیهر (کذا)، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه سیدناصر طباطبایی، مقدمه و حواشی سیدمحمدعلی ابازی (تهران: ققنوس، ۱۳۸۲). برای نقد کیفی و محتوایی ترجمه فارسی، رجوع کنید به: سید حسن اسلامی، «گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان: بررسی یک ترجمه»، آینه پژوهش، ش ۸۷، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۵-۳۶.

6. Theodor Nöldeke, *Geschichte des Qorāns* (Göttingen, 1860); 2nd edition: Theodor Nöldeke, Friedrich Schwally, Gotthelf Bergsträsser and Otto Pretzl, *Geschichte des Qorāns*, 3 vols. (Leipzig 1909-1938); English translation: *The History of the Qur'ān*, translated by Wolfgang H. Behn (Leiden, 2013).

7. *Encyclopaedia of the Qur'ān*, ed. Jane Dammen McAuliffe, 6 vols. (Leiden, 2001-2006).

روی تمام نیست: مطالعات بنیادی نظیر پژوهش‌های قرآنی یوزف هورویتز^۸ و داستان‌های کتاب مقدس در قرآن هاینریش اشپایر^۹ هنوز ترجمه نشده‌اند. کتاب حاضر نیز سهم ویژه‌ای در این فرایند دارد. در این کتاب ترجمه انگلیسی چهارده مقاله از انگلیکا نویورت که بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۲ منتشر شده و تاکنون تنها به زبان آلمانی در دسترس بودند، یکجا گرد آمده است.

این مجموعه با مقدمه‌ای از مؤلف، ایده‌های اصلی نویورت درباره قرآن را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. گرچه محققان همچنان ترجمه کتاب دیگری از او، یعنی قرآن به مثابه متنی از دوران باستان متأخر: رویکردی اروپایی به قرآن^{۱۰} را انتظار می‌کشند. این کتاب فشرده‌ای از پژوهش‌های قرآنی در غرب است و احتمالاً تنها کتاب در این حوزه است که می‌توان ادعا کرد جای تاریخ قرآن نلدکه را گرفته است. (شاید به همین دلیل بتوانیم امیدوار باشیم که این یکی به سرنوشت کتاب دیگر نویورت، یعنی پژوهشی درباره ترکیب سوره‌های مکی قرآن^{۱۱} دچار نشود که هنوز ترجمه نشده و چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است). نویورت در مقدمه کتاب (ص ۳۱-۳۰) و نیز در مقاله نخست، «لا شرقیة ولا غربیة: جایگاه قرآن در تاریخ مطالعات قرآنی» (ص ۳-۵۲) ضمن مروری اجمالی بر پژوهش‌های قرآنی در اروپا، رهیافت کلی خود به قرآن را تعریف می‌کند، چنان‌که سیزده مقاله بعدی نیز همان رهیافت را تعقیب می‌کنند. در مقاله‌های این مجموعه ایده‌های متنوعی عرضه شده که نقش داروست را برای کتاب قرآن به مثابه متنی از دوران باستان متأخر ایفا می‌کنند و انتشار آنها فرصت تأملی جامع در روش‌ها، اصول تفسیری و نتایج اصلی نویورت را فراهم می‌آورد.

گفتنی است که ویژگی اساسی رهیافت نویورت بهره‌گیری گسترده از مطالعات قدیمی است، به ویژه پژوهش‌های آلمانی که غالباً نادیده گرفته شده‌اند. از این حیث مطالعات قرآنی دچار نوعی سهل‌انگاری بوده است، خواه به دلیل وجود موانع زبانی خواه به این سبب که مطالعات گذشته آسان‌یاب نبوده‌اند. البته می‌توان تقصیر ارجاع ناهمگن و پراکنده به این دست مطالعات را برگردن ناپیوستگی در این شاخه از دانش پژوهی هم انداخت. نویورت به ویژه گسست در مطالعات قرآنی را که بر اثر فرار محققان یهودی از آلمان نازی در دهه ۱۹۳۰ پیش آمد یادآوری می‌کند. به علاوه باید توجه داشته باشیم که از دهه ۱۹۳۰ به بعد، عمده قرآن‌پژوهان و نیز مترجمان قرآن در اروپا و آمریکای شمالی در مطالعات عربی یا اسلامی تحصیل کرده بودند و آنچه درباره قرآن انجام داده‌اند کار فرعی و حاشیه‌ای آنان بوده است. حتی در بسیاری موارد تمرکز مطالعات قرآنی از سوی عده قلیلی از محققان به روان‌شناسی پیامبر یا تفاسیر قرآن کشیده شده است. در غرب هیچ‌گاه برنامه آموزشی مدونی برای مطالعات قرآنی وجود نداشته و هرگز متون علمی رسمی یا مجموعه مهارت‌های ویژه‌ای که پیش نیاز ورود محققان به این حوزه باشد تعریف نشده‌اند. در نتیجه مطالعات قرآنی، به مثابه شاخه‌ای از دانش، کاملاً بی‌قاعده توسعه یافته و دانش نسل‌های جدید به طور نظام‌مند بر آثار پیشینیان استوار نشده است. اما ظاهراً اوضاع در دو دهه گذشته تغییر کرده است. با تأسیس مجله مطالعات قرآنی^{۱۲} در لندن، پروژه کرپوس کرانیکوم^{۱۳} در برلین و انجمن بین‌المللی مطالعات قرآنی^{۱۴} در ایالات متحده آمریکا و با انتشار دایرةالمعارف قرآن، مطالعات قرآنی به حوزه‌ای از دانش تبدیل شده که در آن روابط، تدریس، شبکه‌های ارتباطی و انتشار دستاوردهای جدید نظم و نسق بیشتری یافته است و امید می‌رود از این به بعد در این سیاق نوبنیاد تربیت محققان و تولید دانش پیوسته و نظام‌مند صورت پذیرد. این امر لزوماً ضامن پیشرفتی ساده و سراسر نیست، اما به نظر می‌رسد محققان تازه‌کار در این حوزه راحت‌تر بتوانند به کارهای انجام‌شده در گذشته، از جمله مطالعات آلمانی زبان استناد کنند.

لطیفه‌ای قدیمی بین محققان حوزه مطالعات کتاب مقدس رایج است که می‌گویند: «مهم‌ترین زبان سامی چیست؟» - «آلمانی». این لطیفه را می‌توان در مطالعات قرآنی هم استفاده کرد: به‌رغم حجم گسترده مکتوبات قرآنی به زبان‌های عربی و انگلیسی، در پژوهش‌های غربی درباره قرآن مهم‌ترین سهم از آن محققان آلمانی است که با مطالعات ابراهام گایگر، تنودور نلدیکه، یولیوس ولهاوزن و دیگران در سده نوزدهم میلادی آغاز شد و تا امروز ادامه دارد.

8. Josef Horowitz, *Koranische Untersuchungen* (Berlin-Leipzig, 1926).

9. Heinrich Speyer, *Die biblischen Erzählungen im Quran* (Hildesheim, 1931).

10. Angelika Neuwirth, *Der Koran als Text der Spätantike: Ein europäischer Zugang* (Berlin, 2010).

11. Angelika Neuwirth, *Studien zur Komposition der mekkanischen Suren* (Berlin, 1981; 2nd edition, 2007).

12. *Journal of Qur'anic Studies* (www.eupublishing.com/loi/jqs)

13. The Corpus Coranicum Project (www.corpuscoranicum.de)

14. The International Qur'anic Studies Association (www.iqsaweb.wordpress.com)

(البته مشکل دربارهٔ انبوه آثار به زبان عربی و دیگر زبان‌های اسلامی که معمولاً به دلیل کاستی‌های زبانی و ارتباطی نادیده گرفته می‌شوند همچنان باقی است).

دیگرانی که در موضوعات قرآنی قلم می‌زنند از دیدن تفاوت‌های ایدئولوژیک و روش‌شناختی گذشته به شدت آکراه دارند؛ امری که خود موجب گسست در قرآن‌پژوهی بوده است. مطالعات جالب و اصیل غالباً پس از آنکه به سبب وجود رگه‌هایی از یک گرایش ایدئولوژیک در آنها از سوی منتقدان به باد انتقاد گرفته شده‌اند به فراموشی سپرده شده‌اند تا جایی که مشارکت علمی و ایده‌های پیشنهادی در آنها نیز نادیده گرفته شده‌اند. نمونه‌ای روشن از این دست آثار کتاب پیامبران در هیئت اصیل‌شان اثر دیوید هاینریش مولر^{۱۵} است. بی‌تردید ادعای مولر مبنی بر اینکه اسطوره‌های بابل باستان، عهد عتیق، سوره‌های قرآن و حتی هم‌سرایی‌های یونانی همگی در قالب شعر استروفتیک^{۱۶} بیان شده‌اند - آن هم با این استدلال که از دوران باستان این ساخت شعر و وجه مشترک خطابه‌های انبیای سامی بوده است - ادعایی نامربوط بود. اما محققانی که از این نظریه افراطی آشفته شدند، گرچه به تندی کتاب را رد کردند، ادله‌ای نسبتاً سست و غیرمنطقی برای ردشان عرضه داشتند. گذشته از اینکه در رد موضوع محوری این کتاب می‌توان ادلهٔ بهتری به دست داد، در کتاب مولر ملاحظات ارزشمند دیگری دربارهٔ متن قرآن، ساختار سوره‌ها و روابط بین بخش‌های مختلف سوره‌ها می‌توان یافت که کاملاً مستدل ارائه شده‌اند. به نظر من نویورت تنها محقق در حوزهٔ مطالعات قرآنی است که به درستی از کتاب مولر استفاده کرده است و اثر آن در پس‌زمینهٔ کتاب پژوهشی دربارهٔ ترکیب سوره‌های مکی قرآن به خوبی هویدا است. در کتاب حاضر نیز نمونه‌های مشابه فراوان دیده می‌شود؛ نظیر بحث او دربارهٔ ده فرمان موسی در قرآن که نشان می‌دهد در چندین پژوهش جدید در این باب نه تنها پژوهش‌های پیشین از سوی هیرشفلد^{۱۷} و اشپایر^{۱۸} نادیده گرفته شده‌اند، بلکه حتی به یکدیگر نیز ارجاع نداده‌اند.

نویورت در بحث‌های روش‌شناختی صریح و بی‌ملاحظه است. به باور او تمرکز مفسر بیش و پیش از هر چیز باید بر متن قرآن باشد. این نوع مطالعهٔ «ادبی» از قالب‌ها، ساخت‌ها، گونه‌ها، وجوه بلاغی و دیگر ویژگی‌های متن می‌آغازد و از آنجا به پیش می‌رود. بدین ترتیب او مخالفت خود را با آن دست مطالعات «تاریخی» و «زبانی» ابراز می‌دارد که در آنها بحث از مبادی خارج از متن شروع می‌شود و ساخت‌ها یا قواعد بیرونی بر آن تحمیل می‌گردد و در نهایت هم به تفسیرهایی ناروا می‌انجامد.

نویورت در بحث‌های روش‌شناختی صریح و بی‌ملاحظه است. به باور او تمرکز مفسر بیش و پیش از هر چیز باید بر متن قرآن باشد. این نوع مطالعهٔ «ادبی» از قالب‌ها، ساخت‌ها، گونه‌ها، وجوه بلاغی و دیگر ویژگی‌های متن می‌آغازد و از آنجا به پیش می‌رود. بدین ترتیب او مخالفت خود را با آن دست مطالعات «تاریخی» و «زبانی» ابراز می‌دارد که در آنها بحث از مبادی خارج از متن شروع می‌شود و ساخت‌ها یا قواعد بیرونی بر آن تحمیل می‌گردد و در نهایت هم به تفسیرهایی ناروا می‌انجامد. به طور کلی، تاریخ‌شناسان و زبان‌شناسان گرایشی پنهان به شتابزدگی دارند (مثلاً ص ۲۱). آنها از حدشان فراتر می‌روند و در حالی که هنوز برای تحلیل درونی و متوسط متن قرآن زمان کافی صرف نکرده‌اند، بی‌مهابه دربارهٔ متن قرآن داوری می‌کنند. مفهوم این سخن آن است که آنها قادر به انجام این کار نیستند؛ چرا که انجام این مهم به حوزهٔ کاری محققان ادبی مربوط می‌شود که صلاحیت لازم برای انجام این وظیفه را دارند.

پس جای شگفتی نیست که در تحلیل نویورت شعر نقش برجسته‌ای بازی می‌کند. «شعر» در عنوان این مجموعه، هم به ویژگی‌های شعرگونهٔ متن قرآن اشاره دارد که مفسران نباید از آن غافل شوند و هم به گونه‌های شعری پیشااسلامی که ابعادی از متن قرآن را روشن می‌کند. نویورت به پیوند مضمون «الأمم الخالیة» (امت‌های گذشته) با تصویر «أطلال» (آثار برجای مانده از منزلگاه‌های متروکه) در قصیده‌های پیشااسلامی اشاره می‌کند. همچنین او توجه ما را به مثال‌هایی دیگر جلب می‌کند؛ مانند مقایسهٔ تخویف پیامبر در آیهٔ ۲۲ سورهٔ اسراء با تصویر «عاذله» یا «ملا متگر» در سنت شعری که قهرمان را با استناد به ملاحظاتی عمل‌گرایانه سرزنش می‌کند. (ص ۲۶۳) در پژوهش‌های این مجموعه مثال‌های زیادی از قرائت‌های ادبی و روشن‌گر می‌توان یافت؛ از جمله تحلیل مجموعه‌ای از اقسام قرآن که بسیاری از سوره‌های مکی با آنها آغاز

15. David Heinrich Müller, *Die Propheten in ihrer ursprünglichen Form* (Wien, 1896).

16. strophic poetry

17. Hartwig Hirschfeld (1854-1934)

18. Heinrich Speyer (1897-1935)

می‌شوند («تصویرها و استعاره‌ها در بخش‌های آغازین سوره‌های دورهٔ مکی متقدم»،^{۱۹} ص ۱۰۲-۱۳۷) و در آنها به مضامینی قسم یاد می‌شود که به ایده‌های مطرح در بدنهٔ آن سوره‌ها مربوط‌اند.

نویورت از استفادهٔ انتقادی از سنت اسلامی، اعم از سیره و تفسیر دفاع می‌کند، به جای آنکه آنها را به عنوان ابداعات دوره‌های بعدی یکسره کنار بگذارد. این در تقابل با رویکردی است که برخی از محققان در این حوزه برگزیده‌اند که خود واکنشی است به مطالعهٔ قرآن از چشم‌انداز سنت تفسیری که پیرامون قرآن شکل گرفته است. آنها معتقدند با این روش محقق تمرکزش را بر مطالعهٔ قرآن از دست می‌دهد و درگیر «نقد متکی بر واکنش خواننده»^{۲۰} می‌شود یا به سادگی دیدگاه‌های سنتی را می‌پذیرد. با این حال نویورت در تحقیقاتش گزینشگرانه از تفسیر و دیگر آثار علوم قرآنی بهره می‌برد، هرچند عمدتاً بر تحقیق مستقل روی متن اتکا می‌کند.

از نظر نویورت واحد اساسی در تفسیر قرآن سوره است - نه عبارت، آیه یا بند که دیگران بدون توجه به سیاق متنی شان به آنها استناد می‌کنند. سوره از آغاز واحد ابلاغ و دریافت بوده است. واحدهای جزئی‌تر معنایشان را از کارکردهایی می‌گیرند که در سوره به مثابه کل ایفا می‌کنند و تمرکز بر سوره به مثابه کل، نه بر واحدهای جزئی‌تری که از سیاق کلی شان جدا شده‌اند، شرط لازم مطالعهٔ ادبی دربارهٔ قرآن است و این شرط تفسیری به رغم وجود الحاقات و دیگر غرایب متنی که فرائضی از اصلاح و ویرایش بعدی هستند، همچنان صادق است. به باور نویورت، چنین الحاقاتی محصول تکامل متن در گفتگو با مخاطبان بوده‌اند و به همین دلیل به بخشی جدایی‌ناپذیر از «متن رسمی»^{۲۱} بدل شده‌اند.

نویورت مدافع «فرائض در زمانی»^{۲۲} سوره‌های قرآن است با این مبنا که قرآن با یگانگی تعاملی پیچیده بین مبلّغ و جامعهٔ پیرامونش است. این جامعه در طول زمان تغییر کرده و به همین دلیل متن نیز دگرگونی یافته است. او تاریخ‌گذاری نلدکه یا دیگر تاریخ‌گذاری‌های موجود در سنت اسلامی را چنان که هست نمی‌پذیرد و اذعان می‌کند که هنوز تاریخ‌گذاری معتبری در دست نیست، اما باور دارد که می‌توان به چنین تاریخ‌گذاری‌ای رسید و یکی از وظایف پروژهٔ کرانیکوم را تولید تاریخ‌گذاری جدید می‌داند که نسخه‌ای اصلاح شده از تاریخ‌گذاری نلدکه با همان چهار دورهٔ مکی متقدم، مکی میانه، مکی متأخر و مدینه خواهد بود. البته در این اثنا می‌توان مطالعاتی در زمانی دربارهٔ موضوعاتی خاص انجام داد. همچون بحث او دربارهٔ عیسی و مریم [ع] در قرآن که تاریخ‌گذاری نسبی آن قابل اعتماد است («مریم و عیسی [ع]: بازخوانی سورهٔ مریم در سورهٔ آل عمران»،^{۲۳} ص ۳۵۹-۳۸۴) و نیز تحقیق او دربارهٔ موسی [ع] («روایت به مثابه فرایندی رسمی: داستان موسی [ع] در پرتو تاریخ تطور قرآن»،^{۲۴} ص ۲۷۷-۳۰۵). او با به‌کارگیری روش «نقد صوری»^{۲۵} در مطالعات کتاب مقدس به شناسایی «زمینه و بافت اجتماعی»^{۲۶} سوره می‌پردازد تا تفسیری قابل اعتماد عرضه کند. در پژوهش در زمانی وی، تغییر اصلی به رشد آگاهی از متون و عقاید یهودی و مسیحی اشاره دارد.

از نگاه نویورت قرآن متنی تک مؤلف نیست، بلکه برخی نمودهای اثری جمعی را هم در خود دارد؛ دیدگاهی که کلود ژیلیو هم آن را طرح کرده است. قرآن در برگزیده گزارشی از مذاکراتی پیچیده بین مبلّغ و مخاطبانش است که استدلال‌ها، تهمت‌ها، مخالفت‌ها و تکذیب‌ها را شامل می‌شود و از تعدیل و توسعهٔ ایده‌ها در طول زمان حکایت دارد. به باور او متن قرآن صرفاً در فرایند «رسمیت بخشی»^{۲۷} تثبیت شده است. نویورت

از نظر نویورت واحد اساسی در تفسیر قرآن سوره است - نه عبارت، آیه یا بند که دیگران بدون توجه به سیاق متنی شان به آنها استناد می‌کنند. سوره از آغاز واحد ابلاغ و دریافت بوده است. واحدهای جزئی‌تر معنایشان را از کارکردهایی می‌گیرند که در سوره به مثابه کل ایفا می‌کنند

19. "Images and Metaphors in the Introductory Sections of the Early Meccan Suras".

20. reader-response criticism

21. canonical text

22. diachronic reading

23. "Mary and Jesus: Counterbalancing the Biblical Patriarchs. A Re-reading of Sūrat Maryam (Q. 19) in Sūrat 'Imrān (Q. 3)".

24. "Narrative as Canonical Process: The Story of Moses Seen through the Evolving History of the Qur'ān".

25. form criticism

26. Sitz im Leben

27. canonization

با تکیه بر روش «نقد متن رسمی»^{۲۸} بریوارد چایلدز^{۲۹} بین متن رسمی قرآن - که از تحول باز ایستاد و در سنت اسلامی بعدی به طور مرسوم تفسیر شد - و متن پیش‌رسمی قرآن - که در چند مرحله تطور و تکوین یافت - تمایز می‌نهد. برجسته‌ترین و اصیل‌ترین نظریات نویورت به همین فرایند تطور و توسعه مربوط می‌شود که از نظر او به شکل‌گیری جامعه پیوند می‌یابد. در این زمینه کار او از جهاتی مشابه کار شارحان آلمانی «نقد صوری»^{۳۰} نظیر رودلف بولتمان^{۳۱} است که با استفاده از نقد صوری اناجیل هم‌نوا به تبیین شکل‌گیری «جامعه»^{۳۲} مسیحیان متقدم پرداختند. نویورت در فرایند شکل‌گیری جامعه چندین مرحله را شناسایی می‌کند که هر یک به قالب یا گونه‌ای خاص از سوره و به مرحله‌ای خاص از تطور آیین اسلامی مربوط می‌شود. به نظر او بافت و سیاق عبادی نخستین مرحله است. در این مرحله که سوره‌های دوران مکی متقدم بازنمایند آن است، پیامبر احتمالاً وحی را به گروهی محدود از شنوندگان عرضه می‌کرده است. در سوره‌های این مرحله، بر مکه و حرم کعبه و بافت و سنت‌های عربی تأکید شده است. سبک این سوره‌ها مشابه سبک کاهنان دوران پیش از اسلام است و از این رو نویورت معتقد است که احتمالاً این سوره‌ها در پیوند با قالب‌های عبادی مرسوم در مکه در اوقاتی خاص از روز اقامه می‌شده‌اند. نویورت به عنوان شاهد به آیات بسیاری استناد می‌کند که به ادای صلاة همراه با قرائت قرآن اشاره دارند.

نویورت با تکیه بر روش «نقد متن رسمی» بریوارد چایلدز بین متن رسمی قرآن - که از تحول باز ایستاد و در سنت اسلامی بعدی به طور مرسوم تفسیر شد - و متن پیش‌رسمی قرآن - که در چند مرحله تطور و تکوین یافت - تمایز می‌نهد. برجسته‌ترین و اصیل‌ترین نظریات نویورت به همین فرایند تطور و توسعه مربوط می‌شود که از نظر او به شکل‌گیری جامعه پیوند می‌یابد. در این زمینه کار او از جهاتی مشابه کار شارحان آلمانی «نقد صوری» نظیر رودلف بولتمان است که با استفاده از نقد صوری اناجیل هم‌نوا به تبیین شکل‌گیری «جامعه» مسیحیان متقدم پرداختند.

در مرحله دوم در دوران مکی متأخر، تمرکز به سوی روایات کتاب مقدس می‌چرخد. در قسم‌های آغاز سوره‌ها آشکارا متن مقدس یاد می‌شود. عبادت عمومی تثبیت شده، فاتحه افتتاح این آیین عبادی و سوره‌های بلندتر در این دوره که در آنها داستان‌هایی از انبیای کتاب مقدس گنجانده شده، بدنه مراسم عبادی را شکل می‌دهند. این مراسم شبیه به آیین‌های عبادی یهودی و مسیحی است که در آنها بخش‌هایی از متن مقدس با صدای بلند برای نمازگزاران خوانده می‌شود. در این دوره سبک بیان تغییر کرده و بیش از پیش به کتاب مقدس نزدیک می‌شود. ویژگی متنی دیگری نیز اضافه می‌شود: تعابیر پایانی آیات که غالباً مخاطبان را به یاد خدا، اوامرو و اطاعت از آنها امر می‌کنند. در این دوره وحی آشکارا در قالب مکتوب ضبط و در قالب متون در جامعه استفاده می‌شود. به همین مناسبت بر مرجعیت کتابت هم تأکید می‌شود. توأم با تأکید بر کتاب مقدس، قبله به سوی اورشلیم تغییر می‌کند و توجه به سرزمین مقدس، خارج از عربستان، معطوف می‌شود.

سومین مرحله در دوران مدینه رخ می‌دهد که در آن شاهد شکل‌گیری گونه جدیدی از سوره‌ها، یعنی سوره‌های خطابی^{۳۳} هستیم. این خطابه‌های نبوی بیانگر تغییری در ماهیت عبادت جمعی است؛ چرا که در آنها روایات کتاب مقدس کم‌رنگ می‌شوند و تمرکز آیینی بر سنت برآمده از کتاب مقدس جای خود را به دغدغه‌های جامعه نوپیدا می‌دهد. سرانجام آخرین گونه سوره‌های بلند مدنی هستند که برخی ساختار ترکیبی روشنی ندارند و مشتمل بر بخش‌هایی هستند که در آنها به موضوعاتی متنوع پرداخته می‌شود. گرچه فرایند کنار هم قرارگیری این بخش‌ها هنوز مبهم است، دست‌کم آنها مرحله‌ای را بازتاب می‌دهند که در آن سوره و آیین عبادی از هم تفکیک شده‌اند؛ زیرا این سوره‌ها بلندتر از آن هستند که بخشی از مراسم عبادی قرار بگیرند. سوره‌های بلند احتمالاً در حکم اعلامیه‌هایی عمومی حاوی پیام‌های اجتماعی و سیاسی بوده‌اند و مؤمنان برای مقاصد آیینی به سوره‌های کوتاه‌تر مراجعه می‌کرده‌اند.

نویورت در موارد متعددی با نتایجی که پیش‌تر محققان شرق‌شناس طرح کرده بودند مخالفت می‌کند و هم‌سو با دیدگاه سنتی نظر می‌دهد، گرچه در منابع سنتی این دیدگاه با شواهد متنی توجیه نمی‌شود. برای نمونه

28. canonical criticism

29. Brevard Childs (1923-2007)

30. Formgeschichte

31. Rudolf Bultmann (1884-1976)

32. Gemeindebildung

33. oratory

بعضی بر تأثیر مسیحی (ولهاوزن، آندره،^{۳۸} بل^{۳۹} و دیگران). هر دو گروه در ادعایشان زیاده‌روی کرده‌اند، مخصوصاً وقتی شواهد سوی دیگر را انکار کرده یا کم‌اهمیت جلوه داده‌اند. رهیافت سریانی‌شناسان نیز پدیده‌ای یکسره نیست، بلکه صرفاً آخرین وضعیت حرکت نوسانی این آونگ را به سوی تأثیر سریانی بازنمایی می‌کند. آنها در موارد فراوانی از حدشان فراتر رفته‌اند و دربارهٔ میزان تأثیر مسیحی اغراق کرده‌اند، اما همچون پیشینیان‌شان در هر دو سوی منازعه مواردی جدید از روابط بینامتنی قرآن با متون پیشین را نشان داده و دربارهٔ برخی عبارات قرآن روشن‌گری کرده‌اند.

البته نزاع بین این دو گروه برآمده از دوگانگی‌ای نارواست؛ زیرا قرآن آشکارا به هر دو سنت یهودی و مسیحی اشاره دارد، از عهد عتیق و اناجیل گرفته تا متون متأخر تریهودی و مسیحی. به علاوه هر دو طرف مناقشه تا حد زیادی سنت‌های بت‌پرسانهٔ پیشاسلامی را نادیده گرفته‌اند که بی‌تردید اثر آنها در قرآن دیده می‌شود. نیویورت در عوض رهیافتی یکدست‌تر را دنبال می‌کند و بدین منظور اصطلاح «باستان متأخر»^{۴۰} را به کار می‌برد که همزمان به چندین مقصود اشاره دارد. نخست دلالت دارد بر اینکه قرآن با سنت‌های یهودی، مسیحی و بت‌پرست یا تلفیقی از آنها پیوند دارد، بی‌آنکه بر تأثیر یکی از این سنت‌ها فارغ از دیگران تأکید شود. دوم با این اصطلاح ادعای وام‌گیری مستقیم یا کورکورانه از متون یهودی و مسیحی پرهیز می‌شود و در عوض پیشنهاد می‌شود که قرآن ناظر به مجموعه‌ای از مواد است که در فرهنگ‌های آن دوران رایج بوده است. سوم قرآن در جایگاهی برابر با عهد عتیق و عهد جدید قرار می‌گیرد و در نتیجه از این ایده که قرآن متنی وابسته است و جز با شناسایی «مآخذ» نهفته در پس آن مفهوم نیست اجتناب می‌شود؛ برعکس، قرآن متنی کاملاً اصیل است که به شخصیت‌ها، داستان‌ها و مفاهیم سنت برآمده از کتاب مقدس - و دیگر سنت‌های رایج در منطقهٔ خاورمیانه - می‌پردازد و با آنها به شیوه‌ای پویا و پیچیده تعامل می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد. شاید مهم‌ترین کار نیویورت در مواجهه با مسئلهٔ «مآخذ» قرآن توجه وی به مزامیر است: او معتقد است که سورهٔ رحمن ناظر به مزامیر ۱۳۶ است و سورهٔ نبأ به مزامیر ۱۰۴.

کتاب حاضر تصویری کلی از سهم انگلیکا نیویورت در مطالعات قرآنی فراهم می‌آورد و این امکان را در اختیار محققان قرار می‌دهد که به‌گونه‌ای اثربخش به کار او پاسخ دهند یا آن را توسعه بخشند. سطح انگلیسی ترجمه‌ها بسیار عالی است به این دلیل پس از ترجمهٔ اولیهٔ مترجمان از سوی مؤلف بازخوانی شده است. البته موارد بسیار اندکی از اغلاط آوانگاری در کلمات عربی یا عبری هم در کتاب دیده می‌شود.

او در اینکه «سبع المثنائی» در سورهٔ حجر ناظر به فاتحه است با نظرگاه سنتی هم‌سخن است؛ دیدگاهی که بسیاری از محققان پیشین آن را رد کرده‌اند. در سنت اسلامی آشکارا در تقسیم‌بندی متن فاتحه تغییراتی داده شده تا شش آیه به هفت آیه و با تعبیر سبع المثنائی هماهنگ شود. هورویتس و دیگرانی پس از او در عوض پیشنهاد کرده‌اند که مراد از سبع المثنائی داستان‌های عذاب است که بارها در قرآن تکرار شده‌اند. با این حال نیویورت معتقد است که در اینجا کاربرد عدد هفت تقریبی است و اشاراتی به متن فاتحه در سورهٔ حجر مؤید این دیدگاه است که آیهٔ ۸۵ سورهٔ حجر در واقع به فاتحه ارجاع می‌دهد. شرق‌شناسان دربارهٔ این دیدگاه سنتی که در آن آیهٔ نخست سورهٔ اسراء به «سفر شبانه» پیامبر به اورشلیم مربوط است تردید داشته و در عوض پیشنهاد کرده‌اند که این آیه احتمالاً بعداً به سوره افزوده شده است. یکی از شواهد مؤید برای این نظر سبع پایان آیه است که با آیات بعدی هماهنگ نیست. با وجود این نیویورت با تکیه بر شواهد متنی در ادامهٔ سوره استدلال می‌کند که این آیه اصیل است و پیامبر را مستقیماً با اورشلیم پیوند می‌زند. من بعید می‌دانم که سبع المثنائی ارجاعی به فاتحه و سورهٔ اسراء به «سفر شبانه» پیامبر مربوط باشد، اما الان دلایل محکم‌تری برای رد این ادعاها نیاز است.

نیویورت نقدهایی هم بر «سریانی‌شناسان»^{۳۴} وارد می‌کند که از زمان انتشار کار لوگزنبرگ در سال ۲۰۰۰^{۳۵} به دنبال عناصر سریانی/آرامی در متن قرآن بوده‌اند. گرچه او می‌پذیرد که در قرآن آثاری از متون مسیحی دیده می‌شود، اما معتقد است محققانی که به شناسایی «متون مشابه»^{۳۶} سریانی - که از برخی جهات با بخش‌هایی خاص از متن قرآن روابط بینامتنی دارند - مشغول‌اند به افراط افتاده‌اند. به گفتهٔ او آنها عموماً سیاق قرآنی‌ای را که این عناصر در آنها پیدا می‌شوند نادیده می‌گیرند و نمی‌توانند در یابند که چه تغییراتی در این متون آن هم برای تأمین اغراض خطابی و الهیاتی رخ داده است. فراتر از این «سریانی‌شناسان» گرفتار خطایی فاحش در صورت‌بندی تحقیقاتشان هستند؛ زیرا آنها نهایتاً می‌کوشند نشان دهند که قرآن بیشتر چهره‌ای مبذل از الهیات مسیحی است تا یک واکنش اصیل الهیاتی به ایده‌های یهودی، مسیحی و امثال آنها که در آن زمان میان مردم رایج بوده است. به نظر من نیویورت در اشاره به خطر این رهیافت اغراق می‌کند. می‌توان مطالعات قرآنی غربی را در بستر نزاعی تاریخی بر سر زمینه‌های شکل‌گیری قرآن ملاحظه کرد؛ در این میان برخی از محققان بر تأثیر یهودی تأکید کرده‌اند (گایگر، هورویتس، توری،^{۳۷} اشپایر) و

34. Syriacists

35. Christoph Luxenberg, Die Syro-Aramäische Lesart des Koran: Ein Beitrag zur Entschlüsselung der Koransprache (Berlin, 2000); English version: The Syro-Aramaic Reading of the Koran - A Contribution to the Decoding of the Koran (Berlin, 2007).

36. intertexts

37. Charles Cutler Torrey (1863-1956)

38. Tor Andrae (1885-1947)

39. Richard Bell (1876-1952)

40. late antique